

نغمه های آزادی

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی این نوشتار را به جایگاهی اختصاص می‌دهیم که ملت ایران در نزد ما داراست و اینکه چرا بزعم ما نعمه‌های آزادی این ملت از هم اکنون بگوش میرسند. شهریار ولی در دل خوشحال است زیرا میداند که ظهورش نزدیک و در فردای این نوشتار صورت می‌پذیرد. آنچه تا کنون مانع ظهور بوده دیگر مرتفع گردیده و راه برای قدم بعدی فرزندان گشوده است. ایرانیان در این روزها با حکومتی در مصافند که برای جنایت و دروغ و بی‌شرمی مرز نمی‌شناسد. ایران برای ملتی که آنرا با چنگ و دندان محافظت کرده اند نه تنها میهن بلکه سرزمینی بسته به جان آنهاست. چرا باید این پیشامد رخ میداد و سرزمین اهورایی برای مدت چهار دهه در چنگال اهریمنان گرفتار می‌گردید؟ این البته جز مشیت ما نبود و تاریخ بشر میباید چنین فراز و فرودهایی داشته باشد تا مردمانی که در کره‌خاکی زیست میکنند برای عالمی که جایگاه اصلی آنهاست آماده گردند. اگر زندگی در اینجا همواره خوش و بی‌دغدغه بود خلقها خمیرمایه لازم را برای رستگاری بدست نمی‌آوردند و فوج فوج به دوزخ رهسپار میشدند. اگر میبینید که بخشی از مردم جهان در خوشی و نعمت غوطه می‌خورند باید دل به فکر آرید و بدانید که سرنوشتی که در انتظارشان است جز تباهی و شومی نیست. چنانچه بر این تصورید که ایرانیان با درد و رنجی که در این دوران تجربه کردند همان ملت چهل و چند سال پیشند سخت در اشتباهید. بیاد آرید که چگونه شاهی را که در دلسوزی و کشورداری نمونه بود با جانوری موحش بنام خمینی تعویض کردید و بلای آسمانی را بر سر خود و ملتتان آوردید. حال با دادن بهایی گزاف به این شناخت رسیدید که ملا چیست و از چه فرقه‌ایست. اینرا بعنوان پیش‌زمینه‌ای دانید که شما را به آستان ما که در قلب شهریار ولی ست رهنمون میشود. اگر کسی در زندگی شخصی اش با ملایان دمخور بوده باشد بهتر میتواند درجه شرارتی را که در آنهاست درک کند. شهریار ولی هرگز با این طایفه دمخور و هم‌پیاله نبوده و آنچه از آنان میدانند بر اساس دانایی و خبیر بودنی است که از خصلتهای الهی نهادینه در وجودش میباشد. عشق را در قلبی

جوئید که با ما پروردگار در وصالی دائم، حائز همطرازی، و بمنزله
پسرخوانده ماست و آن شهریار ولی ست.